

انسان‌ها تنها موجوداتی هستند که قدرت خلق، حفظ و توسعه‌ی فرهنگ خود را دارند و این امر مرهون زبان، کاربرد، نمادها و سیستم اعصاب پیچیده‌ای است که کارکردهایی عالی هم‌چون حافظه، استدلال، تخیل و... دارد. بنابراین، تمام انسان‌ها دارای فرهنگ هستند. عضو هر اجتماع معین، فرهنگ خاصی دارد و نمی‌توان انسان را بدون فرهنگ و فرهنگ را بدون انسان تصور کرد. تعلق به یک فرهنگ، سبب بروز مجموعه‌ای از رفتارها و نظرات در دارندگان آن فرهنگ می‌شود و برای آنان، امنیت خاطر و ثبات اجتماعی و زندگی به ارمغان می‌آورد.

تیلور، با تعریف کلاسیک از فرهنگ، آن را دارای ماهیت پیچیده‌ای می‌داند که شامل دانش، باورها، هنرها، قوانین، و آداب و رسوم است. یعنی فرهنگ، مجموعه‌ای از ویژگی‌های کهن و گم‌شده نیست، بلکه ویژگی‌های مشترک و خاص گروهی از انسان‌هاست. در تعریف دیگری، فرهنگ به‌عنوان نظامی معرفی می‌شود که عملکرد آن، از عملکرد اجزایش فراتر است. به‌علاوه عناصر آن دارای ارتباطات درونی و ساختار ویژه هستند. هرچند ممکن است فرهنگ‌ها عناصر مشابهی داشته باشند، اما ماهیت‌های متفاوتی دارند. در واقع، فرهنگ شیوه‌ی خاصی از ارتباطات درونی عناصر درهم‌تنیده است [آدامسون، ۱۹۹۳؛ به نقل از تلزاینفانش، ۲۰۰۸]. بنابراین فرهنگ، نوآوری انسان است. رفتار زنان و مردان به‌طور ذاتی زیست‌شناختی نیست، بلکه آنان این رفتارها را در فرهنگ معینی می‌آموزند.

قومیت‌گرایی - وابستگی فرهنگی

اکثر ما رفتار خود را منطقی، مقبول و طبیعی می‌دانیم، اما رفتار دیگران را خشک و غیرمتمدن تلقی می‌کنیم. این امر حاصل آموزه‌های فرهنگی است. نگرش‌های قوم‌گرایانه، شامل اعمال، باورها و آداب و سنن اجتماعی، و فرهنگی است که در آن رشد یافته و زندگی کرده‌ایم. افراد غالباً تصور می‌کنند، عادات و آداب‌وسنن آنان جهانی و فراگیر است و فرهنگ خودشان از سایر فرهنگ‌ها، برتر و کامل‌تر است. آن‌ها امور مربوط به سایر فرهنگ‌ها را اشتباه می‌پندارند؛ هرچند که آن امور را در زمینه‌های فرهنگی خودشان محترم و قابل درک تلقی می‌کنند.

فرهنگ تنها یک واقعیت با تفاسیر چندگانه نیست. فرهنگ‌ها سازه‌های متفاوتی از واقعیت‌های خاص هستند. این رویکرد ما را قادر می‌سازد، مفهوم «هویت» را بازسازی کنیم و به تحلیل عناصر آن بپردازیم. نوجوانان به هویتی نیاز دارند که برایشان قابل درک و دست‌یافتنی باشد. این هویت توسط

رشد و تحول هویت فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن

هویت‌گرایی که تسلط بر جوان لازم دارد!

دکتر صغری ابراهیمی قوام

خود فرد، خویشاوندانش و جامعه شکل می‌گیرد. هویت به‌طور فردی از دوران کودکی بنا به تجربه‌های مثبت و منفی که فرد در خلال رشد و تحول روان‌شناختی، اجتماعی و فیزیولوژیک کسب می‌کند، شکل می‌گیرد. هویت اصطلاح گسترده‌ای است که جنبه‌های کلی از شخصیت فرد را توصیف می‌کند. این جنبه‌ها شامل شباهت‌ها یا تلفیقی از فرهنگ‌های جدید می‌شوند؛ مانند نقش‌های اجتماعی، ارزش‌ها، باورها، آداب‌وسنن فرهنگی و...

دلور ژولیان^۱ (۱۹۹۲؛ به نقل از: تلزاینفانش، ۲۰۰۸) اظهار می‌دارد که هویت مانند یک بازی است که بازیکنان آن قواعد را می‌سازند، به آن عادت می‌کنند و براساس مقیاسی انعطاف‌پذیر، به ارزیابی خودشان در روابط فرهنگی می‌پردازند.

آنان شرایط تغییرپذیر را محدود می‌سازند و بنابر زمینه‌های مورد توافق قبلی عمل می‌کنند. آنان قواعد و اهداف مشترکی دارند که وابستگی‌های درونی آنان را قوت می‌بخشد و آنان را به‌عنوان گروهی خاص معرفی می‌کند. در این بازی، برخی افراد دون‌پایه و تابع و برخی

— بیش‌تر ما رفتار خود را منطقی، مقبول و طبیعی می‌دانیم، اما رفتار دیگران را خشک و غیرمتمدن تلقی می‌کنیم. این حاصل آموزه‌های فرهنگی است



نیز مافوق و برتر هستند. این دو گروه هویت متفاوت و مجزایی دارند؛ اما باهم در تعامل قرار می‌گیرند.

بنابراین، هویت‌های فرهنگی و اجتماعی ریشه در واقعیت‌های پیشین فرهنگی دارند که بسیار متنوع هستند. برای درک آن‌ها باید فرایندهایی را که در شکل‌دادن به فرهنگ مؤثر واقع شده‌اند، تحلیل کنیم. با شناسایی و با طبقه‌بندی این فرایندها چارچوب وسیعی به دست می‌آید. مقوله‌های اجتماعی طی فرایندهای اجتماعی شکل می‌گیرند و ارتباط‌هایی دوگانه و چندگانه را به وجود می‌آورند. این ارتباط‌های چندگانه نقش مؤثری در تکوین هویت‌ها ایفا می‌کنند.

پس نقطه‌ی شروع، تحلیل هویت‌های گروه اجتماعی نیست، بلکه باید شیوه‌های شکل‌گیری هویت به‌طور نمادی شناخته شوند.

هویت براساس منابع متفاوتی ساخته می‌شود و شکل‌گیری آن رویه‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند. نوجوانان به‌شدت به دیدگاه‌های دیگران نسبت به خودشان وابسته هستند. تعاریف آنان از خود، به دو بعد اجتماعی و درونی وابسته است. تعاریفی که معلمان، والدین و سایر هم‌کلاسی‌ها از آن‌ها ارائه می‌دهند، حکم‌آینه‌ای را پیدا می‌کند که آنان خود را در آن می‌بینند و به‌تدریج آن‌چه را درمی‌یابند، درون‌سازی می‌کنند. واقعیت‌های اجتماعی پدیده‌های پیچیده‌ای هستند که به‌شدت رفتار فرد را متأثر می‌سازند.

نوجوانان: هویت اجتماعی - فرهنگی

دوران تحول هویت در زندگی نوجوان، دوران حساسی است. این مرحله‌ی تحولی، نقش مؤثری را در تکوین شخصیت او دارد و می‌تواند آینده‌اش را به‌شدت متأثر سازد. در این مرحله، رشد (افزایش و گسترش قابلیت‌ها) و تحول (کسب ظرفیت‌های جدید و توسعه‌ی منابع) مطرح است. نوجوانان به‌شیوه‌ی خودشان رشد می‌کنند و بالغ می‌شوند. آنان هر لحظه خود را با مسائل زندگی مواجه می‌بینند و طبیعی است که تجارب آنان در این مرحله بحرانی است و سطوحی از سازمان‌یافتگی تا به‌هم‌ریختگی (اعتشاش) شخصیت را شامل می‌شود. لذا پیشرفت هویت مستلزم توجه آنان به خودشان در ارتباط با محیط پیرامون و محیط فرهنگی است.

تعلق به گروه

خانواده نخستین گروه اجتماعی است که فرد به آن تعلق دارد. زمانی که رشد می‌کنیم و با سایر افراد در ارتباط قرار می‌گیریم، عضویت در گروه‌های دیگر مطرح می‌شود که شامل گروه هم‌کلاسی‌ها، گروه هم‌بازی‌ها و گروه دوستان است. ویژگی بارز این گروه‌ها آن است که اعضایشان انتظارات مشترکی دارند و در علاقه‌های مشترک مشارکت می‌جویند. اعضا، خودشان را به‌عنوان عضوی از گروه می‌دانند و تشخیص می‌دهند که چه کسانی عضو گروه آنان محسوب نمی‌شوند و گروه خود را از سایرین متمایز می‌دانند. اعضای گروه‌هایی هم‌چون خانواده، دارای جایگاه‌ها و موقعیت‌های متفاوتی هستند

(پدربزرگ، مادربزرگ، پدر، مادر، خواهر، برادر، پسران، دختران و...)، اما در گروه دوستان، همه‌ی اعضا جایگاه و موقعیت مشابهی دارند. به همین خاطر به آن‌ها «گروه هم‌تا» می‌گویند. بنابراین در مدرسه، گروه هم‌کلاسی‌ها، گروه هم‌تا را تشکیل می‌دهند و دانش‌آموزان در آن جایگاه مشابهی دارند. در مدرسه یک گروه دیگر، گروه معلمان است که در تعامل با گروه هم‌تا قرار دارد. گروه هم‌تا به‌شدت درصدد یافتن هویت است. نیاز به تعلق به گروه و پذیرفته شدن در آن، به بروز رفتارهای مشخصی در آنان منجر می‌شود.

در اواسط دوران نوجوانی، آنان دچار سردرگمی نقش می‌شوند. آنان نه کودک هستند که بخواهند وابسته به دیگران باقی بمانند و نه بزرگسال‌اند که بخواهند به‌طور مستقل عمل کنند. آنان در خانواده نقش چندانی در تصمیم‌گیری‌ها ندارند. احساس می‌کنند دیگران برایشان تصمیم می‌گیرند و آنان دخالتی در تعیین نوع و نحوه‌ی زندگی خود ندارند. اما در پایان این مرحله، نوجوانان خود را ملزم می‌دانند، برای دستیابی به اهداف آتی خود، سطح عملکرد تحصیلی و شرایط تعلیم و تربیتی خود را مورد توجه قرار دهند و درصدد کسب اختیار، استقلال و مسئولیت‌پذیری بیشتری در قبال اعمال و افکار خود برمی‌آیند. در این مرحله، هویت به واحدی از شخصیت شناخته می‌شود که دیگران آن را به رسمیت می‌شناسند و نوجوان آن را به عنوان «می‌دانم که کیستم» تعبیر می‌کند. این موضوع مهمی در دوران نوجوانی است. هرچند هویت در دوران نوجوانی ساخته می‌شود، اما تحول و گسترش آن در طول زمان تا لحظه‌ی مرگ ادامه دارد. توجه به دیدگاه بزرگسالان، هم در فرایند تحول هویت نقش دارد و هم بر تعارضات میان هم‌تایان می‌افزاید و گاه روابط آنان بسیار تعارض‌آمیز می‌شود.

هویت و مدل‌های شناخته‌شده‌ی فرهنگی

هر مدل فرهنگی دارای عناصر پیچیده‌ای هم‌چون نمادها، اعمال نمادین، تصورات و باورهاست. نمادها برگرفته از فرهنگ‌ها هستند. اعضای یک گروه اجتماعی، پدیده‌های خاصی را معنادار و هدفمند تلقی می‌کنند. این پدیده‌ها شامل اعمال نمادین، آداب‌وسنن و برداشت‌های خاص هستند. در این مدل‌های درهم‌تنیده، نوجوانان می‌توانند خود را دریابند و در ارتباط با سایر افراد، عضوی فعال باشند که درصدد درک بیش‌تر فرهنگ پیرامون خود و فرهنگی است که در آن زندگی می‌کند. نوجوانان، هم از سوی گروه‌هایی که به آن‌ها پیوسته‌اند، مانند گروه هم‌تایان و گروه‌های سنی و جنسی، فرهنگ‌هایی را تجربه می‌کنند، و هم از سوی گروه‌های اجتماعی دیگر که عضو آن‌ها نبوده‌اند، تحت فشار قرار می‌گیرند. همین امر درونی‌سازی مدل‌های فرهنگی را برای آنان امری دشوار می‌سازد.

همه‌ی دست‌اندرکاران امور نوجوانان، از والدین گرفته تا اولیای آموزشی، باید بدانند نوجوانان خود را در قالب تصوراتی که از گروه هم‌تا دریافت می‌کنند،

می‌شناسند و آن را به اجتماع نشان می‌دهند. در این جا مهم آن است که ما چه چیزی را از دنیا و زندگی به آن‌ها می‌نماییم. اگر این امور برای آنان قابل درک، دست‌یافتنی و هدفمند باشند، نوجوان آن‌ها را در نظام فرهنگی خود وارد می‌سازد. در غیر این صورت، برای رهایی از تعارضات شناختی آن‌ها را نادیده می‌گیرد یا تحریف می‌کند. باید به تصور این که ما چه افرادی هستیم، سبک زندگی مان چیست و چه تفاوت‌هایی با دیگران داریم، بهای بیشتری داده شود. هرچه ثابت این تصورات بیش‌تر باشد، درهم‌تنیدگی هویت شخصی و فرهنگی نوجوان بیش‌تر خواهد بود و نوجوان می‌تواند خود را به‌عنوان عضو فرهنگ اجتماعی تصور کند.

مسئولان و والدین باید بدانند، نوجوان در اجتماعی که به‌طور پیوسته در حال تغییر است، زندگی می‌کند. در عین حال، پاسخ‌های متفاوتی به نوجوانان برای سازگاری داده می‌شود و نوجوانان ناگزیر به استفاده از انواع پاسخ‌های مقابله‌ای برای انطباق هرچه بیش‌تر با جامعه هستند. گاه در محیط‌های آموزشی در آن‌ها تعارضات جنسیتی و یا قومیتی شکل می‌گیرد که شامل ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های سازمان‌یافته در خود مدرسه است. از این دیدگاه، آنان باید زمینه‌های معینی را بپذیرند و با گروه‌های سنی، هویت‌های گروهی خاصی را ایجاد کنند که از سایر گروه‌ها به‌خوبی متمایز باشد. به وجود آوردن این هویت آسان نیست. به موقعیت بستگی دارد و مستلزم هوشیاری و آگاهی از یک هویت کلی است.

بسیاری از والدین و اولیای آموزشی به تحلیل هویت قومیتی دانش‌آموزان علاقه‌مند هستند. آن‌ها می‌خواهند ببینند، آیا درک مشترکی از آن با نوجوانان دارند یا نه و می‌توانند با معنای مشترکی در این هویت مشارکت جویند یا خیر. برای نیل به این منظور باید بدانیم، متناسب با فضای شهری و مدرسه‌ای، شیوه‌های هویت‌یابی که در این مکان‌ها امکان پذیرند، تأثیرات متفاوتی بر نوجوان به‌جا می‌گذارند. لذا، فهم عمیق اقدامات و بحث‌هایی که برای نوجوانان، نحوه‌ی ارتباط با دیگران را توضیح می‌دهند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گاه نوجوانان به شکل متفاوتی به تصوراتی که از محیط دریافت کرده‌اند، پاسخ می‌دهند. این امر را باید مدنظر داشت و به شکل انعطاف‌پذیری با آن مواجه شد. این مکان‌ها هویت دانش‌آموزان را می‌سازند. از دیدگاه پرون، این امر از ویژگی‌های خاص این گروه اجتماعی است. در

این زمینه، توصیف ویژگی‌ها و اعمال اولویت دارد و طرح‌واره‌های غالب، ادراکات و مقوله‌بندی‌های آن را متأثر می‌سازند. این امر به‌عنوان معیاری، اسنادات نوجوانان را به‌عنوان عضوی از گروه هم‌سالان، گروهی از دانش‌آموزان و گروهی از اجتماع، تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. ابعاد فکری که فضاهای متفاوت محیطی ایجاد می‌کنند، در ایجاد ساختارهای اجتماعی که نوجوانان خود را در آن می‌یابند و برایشان امور، تصورات و اقدامات مربوط به آن روشن و واضح است، بسیار اهمیت دارد. فضاهای اجتماعی، فضایی از روابط هستند که در آن، فعالیت‌های اجتماعی تعریف می‌شوند

و نقش‌های مرتبط با ابعاد فضا و دنیای اجتماعی به‌عنوان یک نظام نمادین، مطابق با تفاوت‌ها سازمان‌دهی می‌شوند. به همین علت است که افراد در فضاهای اجتماعی به کار در یک محیط نمادین تمایل دارند.

تعارض هویت نوجوانان

نخستین رویکرد در شناخت تعارض هویت نوجوانان، شناخت فضاهایی است که شخصیت وی را مطابق با واقعیتی که او برای خودش قائل شده است، تعریف می‌کنند. تحول شخصی به‌دست آمده، هویت نامیده می‌شود و به نوجوان امکان ابراز وجود در سطح شخصی و اجتماعی می‌بخشد. تعارضات هویت نوجوانان چندبعدی است و بسیاری از عواملی که می‌توانند در توسعه‌ی هویت قومیتی مؤثر واقع شوند، در آن دخیل هستند. نوجوانان معمولاً در یک مرحله‌ی دشوار زندگی، تعارضاتی را تجربه می‌کنند که بخشی از تغییرات جسمانی و روانی آنان در این مقطع سنی محسوب می‌شوند.

نوجوانی مرحله‌ای است که با تغییرات قابل ملاحظه‌ای در مفهوم «خود»^۲ همراه است؛ مرحله‌ای که در شکل‌گیری هویت و تحول فردی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، بسیار تأثیر دارد. پذیرفته‌شدن توسط اجتماع و دوستان، بر رفتار نوجوان تأثیرگذار است و نوجوانان، «بحران هویت» را توأم با «بحران عزت‌نفس» تجربه می‌کنند. آنان برای خود بنا به آنچه که هستند، ارزشی قائل نمی‌شوند. در ذهنشان ایده‌آل‌هایی دارند که آن‌ها را قابل دست‌یابی نمی‌بینند. در بسیاری از موقعیت‌ها، از وضعیت جسمانی‌شان رضایت ندارند و همین امر را عاملی برای احساس بی‌ارزش بودن خود، تلقی می‌کنند. چنین برداشتی می‌تواند علت احساس ناامنی و نارسایی رفتاری در آن‌ها باشد. ویژگی‌های مدرسه و ارتباط با دوستان، والدین و معلمان، می‌تواند مشکلات هیجانی هم‌چون پرخوری و بی‌اشتهایی عصبی و افسردگی را در آن‌ها به وجود آورد. اساس این مشکلات در میزان احساس ارزشمندی آنان نهفته است. اگر دیگران آن‌ها را بپذیرند و برایشان احترام قائل شوند، آن‌ها خود را موجوداتی ارزشمند تلقی می‌کنند. به‌همین خاطر، حفظ عزت‌نفس در نوجوانان حیاتی است. کسانی که نسبت به هویتشان احساس دوگانگی می‌کنند، تمایل بیش‌تری برای ابراز مشکلات و ناراحتی‌ها دارند.

باید بدانیم، چیزی ممکن است برای یک نوجوان کفایت کند، اما برای نوجوان دیگر این‌گونه نباشد. هر نوجوان موجودی منحصربه‌فرد است و توجه به این نکته، در تحول سالم هویت نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. به‌عنوان مشاور باید بدانیم که اهداف خاص فرهنگی‌مان در موقعیت‌هایمان تأثیرگذار است و بیش از هر چیز باید به موقعیت‌های اجتماعی که برای نوجوانان ایجاد می‌کنیم، توجه داشته باشیم.

تحول هویت، پدیده‌ی پیچیده‌ای برای تمام نوجوانان، به‌ویژه آنانی است که به گروه‌های قومیتی اقلیت در اجتماع تعلق دارند. آنان از یک‌سوز فرهنگ

هویت‌های فرهنگی و اجتماعی، ریشه در واقعیت‌های پیشین فرهنگی دارند که بسیار متنوع‌اند. برای درک آن‌ها باید فرایندهایی را تحلیل کنیم که در شکل دادن به فرهنگ مؤثر واقع شده‌اند

خانوادگی متأثرند و از سوی دیگر، عضوی از گروه همتایان و دوستان هستند و نهایتاً، عضوی از اجتماعی هستند که باید با آن سازگار شوند. حاصل این تجارب، شرایطی را برای نوجوانان به وجود می آورد که در آن، بین باورها و ارزش‌های قومیتی و والدینشان، و گروه همتا و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، تعارض و اختلاف می‌بینند. این تعارضات به تعارضات طبیعی که در طول دوران نوجوانی وجود دارند، افزوده می‌شوند.

وقتی فرهنگ با هویت فردی تلفیق می‌شود، ما تأثیر زمینه‌های متفاوتی را در آن می‌بینیم که در آن رشد یافته‌ایم، زندگی می‌کنیم و آن را به رسمیت می‌شناسیم. هویت قومیتی حاصل تجارب روزمره‌ی زندگی است. بیش‌تر اوقات، کلیشه‌های اجتماعی می‌توانند هویت قومیتی نوجوانان را متأثر سازند و نسبت به سایر فرهنگ‌ها، در نوجوان احساس شرم یا افتخار به وجود آورند. همین امر منبع بزرگی از تعارضات هویت قومیتی را برای نوجوان به وجود می‌آورد. وجود کلیشه‌های فرهنگی، ارتباط‌های چندگانه‌ی معلم، والدین و سایر دانش‌آموزان، همگی بر نحوه‌ی تکوین هویت نوجوان تأثیرگذار هستند. سوابق، تاریخچه‌های متفاوت، و تعریف ما و دیگران از فرهنگ، همه می‌توانند هویت فردی را به شدت متأثر سازند.

نوجوانان در این دوره‌ی حساس و بحرانی، عزت‌نفسشان تحول می‌یابد و این مرحله‌ای است که در آن، نیاز فرد به هویت تحکیم می‌یابد. گذر از کودکی به نوجوانی، از وابستگی به استقلال و از استقلال به سوی اعتماد، به توانایی فرد بستگی دارد. موضوعاتی هم‌چون فکر کردن به آینده، حرفه، برنامه‌ی زندگی، استقلال از خانواده و... نیز تعارضات باقی‌مانده از دوران کودکی، همگی می‌توانند به نحوه‌ی مواجهه و حل بحران هویت کمک کنند یا مانع از حل آن شوند. بحران هویت نیازمند پاسخ به سؤالی است که اساس آن، بر میزان اعتماد به خود و پذیرش خود قرار دارد. آنان باید رویکردی را اتخاذ کنند که در آن، خود را موجودی ارزشمند، توانا و لایق ببینند. لذا

در مدارس و نظام آموزشی، باید فرصت‌هایی به نوجوانان برای داشتن حق انتخاب، استقلال و مسئولیت‌پذیری در قبال اقدامات داده شود و با رویکرد حمایتی، به نوجوانان در یافتن پاسخ‌های واقع‌بینانه و صحیح کمک شود.

هویت مدنی که سازه‌ای چندبعدی است حاصل مشارکت فردی دانش‌آموزان با اجتماع پیرامون خود است. در این بین، استفاده از راهبردهای مشارکتی و همکاری، حرف اول را می‌زند. نوجوانان، از سطح مدرسه، محله، منطقه و... باید مشارکت در امور را تجربه کنند تا به سطح ملی و بین‌المللی ارتقا یابند. نوجوانان باید با دنیای متنوع از امور و پدیده‌ها آشنا شوند و رویه‌های رفتار مناسب را بیاموزند.

پیشنهاداتی برای ارتقای

سطح هویت فرهنگی دانش‌آموزان

- تا حد امکان، به آن‌ها نقاط قوت را در چالش‌های فرهنگی خاص، به گونه‌ای که برایشان قابل درک باشد، بیاموزیم.
- درصد ایجاد تعادل بین ابعاد جسمانی، ذهنی، هیجانی و معنوی آن‌ها برآییم و به این منظور، از راهکارهای عملی و در دسترس سودجوییم.
- به آنان در آموختن زبان سنتی یاری رسانیم.
- برای انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های سنتی، به آن‌ها فرصت‌های عملی بدهیم.
- ارتباط معنادار بین بزرگسالان اجتماع با آنان را تشویق و حمایت کنیم. این امر موجب می‌شود، آنان احترام و خردمندی را از بزرگسالان بیاموزند.
- از حکایات، داستان‌ها و تمثیل برای ارتقای درک فرهنگی آنان بهره بگیریم.
- درباره‌ی تبعیض، عوارض و آثار آن، و مقابله با آن، برایشان صحبت کنیم.
- بین اولیا و مربیان مدرسه ارتباط تنگاتنگ به وجود آوریم تا با مشارکت آنان، تجارب و دیدگاه‌های منسجم و معناداری برای نوجوان به وجود آید.

زیرنویس

1. Dolores Juliano
2. Self

منابع

1. Stanford center on Adolescence (2002). Positive youth Development Working Group The Adolescent Search for Purpose: The roles of Moral, Civic and Spiritual Development. A pre-conference at the Society for research on Adolescence Ninth Biennial Meeting. New Orleans April 11, 2002.
2. Canadian Health Network (2008). Aboriginal Peoples. www.canadian-health-network.ca
3. Tellez Infantes. Anastasia (2008). Cultural Identity Adolescence. Miguel Hernandez University, Elche (Ali cante).

نوجوانان به شیوه‌ی خودشان رشد می‌کنند. آن‌ها هر لحظه خود را در برابر مسائل زندگی می‌بینند و طبیعی است که تجربه‌هایشان در این مرحله بحرانی باشد

